

ادراک عدالت اجتماعی بر حسب میزان دسترسی شهروندان به خدمات

شهری (مورد شناسی: شهر کرمان)

سعیده گروسی^۱، محمدحسن شمس الدینی مطلق^۲

چکیده

برنامه‌ریزی خدمات شهری بدون توجه به عدالت اجتماعی به معنای برابری همه‌ی جامعه و تخصیص عادلانه‌ی خدمات برای همگان، موفق نخواهد بود در واقع بی‌عدالتی نابرابری‌ای است که به سود همگان نباشد. در این پژوهش از نظروسترن و همکاران که معتقدند جایگاه مفهومی و تحقیقی عدالت اجتماعی بر دو حوزه‌ی عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای متمرکز است، استفاده شده است. این پژوهش از نوع توصیفی-تبیینی است که به صورت پیمایشی صورت گرفته است. هدف این پژوهش بررسی رابطه‌ی میزان دسترسی شهروندان به خدمات شهری با ادراک از عدالت اجتماعی می‌باشد. جامعه‌ی آماری، همه‌ی ساکنان بالای ۱۸ سال شهر کرمان می‌باشند که از بین آنها ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه‌ی آماری بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد از میان متغیرهای پیشینه‌ای، تحصیلات با عدالت اجتماعی رابطه‌ی معکوس ولی معناداری ($r = -0/13$ و $sig = 0/02$) دارد. ولی بین جنسیت و سن با ابعاد عدالت اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. و از بین خدمات شهری، دسترسی به خدمات رفاهی و تفریحی با عدالت توزیعی بیشترین رابطه را دارد. (۰/۵۴) این متغیر همچنین در بین خدمات شهری بیشترین رابطه را با عدالت توزیعی دارد. (۰/۵۲) در مجموع نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد میزان دسترسی به خدمات شهری، ۳۵ درصد تغییرات متغیر ادراک عدالت اجتماعی را تبیین می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ادراک از عدالت، عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای و خدمات شهری.

مقدمه

این پرسش که توزیع خدمات در جامعه چگونه باید باشد، آیا باید انعکاسی از عدالت اجتماعی باشد، همیشه مطرح بوده است؛ به عبارت دیگر این سؤال همیشه مطرح است که برنامه‌ریزان خدمات در شهر بر اساس چه مکانیسم‌هایی برای برقراری برابری اجتماعی گام بردارند. با مطالعه‌ی پژوهش‌های قبلی، می‌توان دریافت که در مبحث برقراری عدالت اجتماعی به گونه‌ای، به بعد توزیعی عدالت و بعد روبه‌ای عدالت که همان فرایند تصمیم‌گیری و اتخاذ تصمیمات است، توجه شده است. اگر بخواهیم در این راستا به خدمات‌دهی بپردازیم با قبول این پیش‌فرض، که امکانات باید برای همه و در ورای الگوهای خاص‌گرایی نظیر خصیصه‌های قومیتی، جنسیتی، نژادی و محله‌ای و غیره، به طور برابر توزیع شود.

میلر^۱ و همکاران، ۱۹۹۲؛ سویفت^۲ و همکاران، ۱۹۹۵؛ اسمیت، ۱۹۹۴؛ هاروی، ۱۹۹۶؛ بر این باورند گسترش تئوری عدالت اجتماعی نه یک راهنمای مطلوب برای برنامه‌ریزی است بلکه در عمل امری ضروری است. درک تجربی عدالت اجتماعی به توسعه‌ی اجتماعی کمک می‌کند (به نقل از ویسر، ۲۰۰۱: ۱۶۷۴). بحث عدالت اجتماعی به طور فزاینده‌ای نیاز پاسا ساختاری برای رهایی از فقر و حاشیه‌نشینی و نابرابری در ساختار مدیریت برنامه‌ریزی را مطرح می‌سازد (ویسر، ۲۰۰۱: ۱۶۷۵)؛ به طوری که در یک دسته‌بندی از مکاتب فلسفی سیاسی، جیمز پی و استرنا، آرمان سیاسی نهایی آموزه‌های لیبرالیسم، سوسیالیسم، لیبرالیسم، دموکراسی، اجتماع‌گرایی، فمینیسم، فرانواگرایی را رسیدن به مطلوب‌هایی چون آزادی، برابری، آمیزه‌ای از آزادی و برابری نفع عمومی، برابری زن و مرد و نفی فراروایت‌ها و نظریه‌ی کلان فرض کرده است. گویا جوامع بشری به فراخور بلوغ و نیاز خود، تعاریفی بر مفهوم حقیقی عدالت تحمیل کرده‌اند (پور عزت، ۱۳۸۰: ۱۱۷). تراکم جمعیت در شهرها، به مدیریت کارآمد نیاز دارد که بتواند وجود منابع محدود در اختیار و اهداف متعدد در زمینه‌ی سرانه‌ی فضاها‌ی خدماتی،

1-Miller

2-Swift

دست به گزینش اهدافی بزند که مصالح همه‌ی جامعه را در بر بگیرد. با شناختن هریک از اهداف برنامه‌ریزی شهری باید اهداف اجتماعی - اقتصادی آن مورد ملاحظه قرار گیرد زیرا این برنامه‌ریزی‌ها مستقیماً با حیات شهری و زندگی انسانی مرتبط می‌باشد (شمس‌الدینی و گروسی، ۱۳۹۲: ۲).

به تناسب رشد روزافزون جمعیت جهان که در مناطق شهری زندگی می‌کنند یکی از مهمترین چالش‌های دولت و نهادهای عمومی در ایجاد عدالت اجتماعی و حقوق شهروندان؛ مسأله‌ی استفاده از زمین و حمل و نقل شهری می‌باشد. در بستر این چالش، عدالت اجتماعی، استفاده از زمین، حمل و نقل، بهداشت، و ابعاد زیست محیطی به عنوان یک دسته عوامل حساس مرتبط با هم در نظر گرفته شده‌اند (مرسیر، ۲۰۰۹: ۱۴۵). توسعه‌ی پایدار به عنوان عدالت اجتماعی یکی از امیدوارکننده‌ترین تحولات در گفتمان توسعه‌ی پایدار در سال‌های اخیر است (فرنادو، ۲۰۰۳: ۲۵)؛ بی‌توجهی به اهداف اجتماعی خدمات شهری، پیدایش مسائل اجتماعی مانند رواج فرهنگ طبقاتی، نابرابری اجتماعی و حاشیه‌نشینی و غیره را در پی دارد.

توزیع خدمات شهری به منظور اثربخشی عملکرد علاوه بر منابع قابل توجه باید به اصول زیر مجهز باشد: ۱- استراتژی‌های مدیریت برای نظارت بر بهره‌برداری و نگهداری مؤثر ۲- استراتژی‌های تأمین مالی برای تأمین منابع برای بازسازی ۳- بهره‌برداری از تکنولوژی و فن‌آوری‌های جدید برای بهبود زیرساخت‌ها ۴- تغییرات در طراحی نهادی و سازمانی برای برنامه‌ریزی (کاویل و سهیل، ۲۰۰۴: ۱۵۵).

معمولاً افراد در انتخاب دو اصل آزادی و برابری که در عدالت اجتماعی از منظر راولز، مطرح است بی‌طرف و بدون پی‌انگاشت ذهنی نیستند، چرا که همان دانسته‌هایشان برای انتخاب دو اصل مذکور می‌تواند پایه‌ای برای انتخاب، نه صرفاً عقلانی، بلکه با یک دسته دریافت‌های اجتماعی با یک دسته تفسیرها همراه شود. از نظر گادامر، بین خود، زبان و جهان یک رابطه‌ی تاریخی وجود دارد به این معنا که سنت و زندگی جمعی گذشته که در زبان رسوب یافته، توأمان تجربه‌های واقعی و تجربه‌های ممکن را شکل می‌بخشد و او آن را آگاهی تاریخی مؤثر می‌خواند. (محمد پور، ۱۳۸۹: ۳۱۰-۳۱۱).

بیان مسأله

جبران کژکارکردی‌های بی‌عدالتی، هزینه‌ی سنگینی را بر جامعه تحمیل می‌کند و به طور فوق‌العاده‌ای بر میزان "فرصت‌های از دست رفته برای توسعه" می‌افزاید. نکته‌ی قابل توجه آن است که هرچند ظاهراً بی‌عدالتی، به نفع گروه‌های ممتاز اجتماع تمام می‌شود ولی هزینه‌ی جبران عوارض ناشی از آن، توسط کلیه‌ی اعضای جامعه پرداخت می‌گردد (الوانی و پور عزت، ۱۳۸۲: ۲۶). لیست معتقد است نابرابری در تقسیم کالاها، خدمات و منابع نیز در کشورهای فقیر بیش از کشورهایایی است که از وفور نسبی برخوردارند. در نتیجه وقتی طبقه‌ی پایین در کشورهای فقیر از طریق وسایل جدید حمل و نقل و ارتباطات، با شیوه‌های زندگی بهتر آشنا می‌شوند، نارضایتی در آن نضج گرفته و همین رو برای فراهم ساختن پایه‌های اجتماعی افراط‌گرایی سیاسی کافی است؛ از همین رو احزاب سیاسی در کشورهای فقیر، افراطی‌تر از احزاب مشابه خود در کشورهای مرفه می‌باشند؛ از سوی دیگر، توسعه‌ی اقتصادی با افزودن به میزان رفاه و کالاهای مصرفی، به کاهش فاصله‌ی اجتماعی میان طبقات بالا و پایین کمک می‌کند (سو، ۱۳۸۸: ۵۷).

بر اساس دیدگاه کلود آرد در تئوری ائتلاف افتراقی^۱ وقتی امکانات معمول و مورد نیاز یکسان توزیع نشود، برخی در شرایط بهتر قرار گیرند و بعضی افراد با عدم امکان دستیابی به وسایل و امکانات مواجه شوند، احتمال ارتکاب به جرم افزایش می‌یابد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۵۲). نحوه‌ی دسترسی افراد به خدمات شهری بر درکشان از عدالت اجتماعی تأثیر می‌گذارد و این امر پیامدهای روانشناختی بسیاری دارد و سلامت روان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اعتماد عمومی و تعهد افراد را کاهش می‌دهد و منابع اجتماعی زیادی را نابود می‌سازد.

آمار و ارقام سازمان ملل در برآوردهای جمعیت‌شناختی حاکی از این است که نیمی از جمعیت جهان در حال حاضر در شهرها زندگی می‌کنند؛ بنابراین در تمام مناطق شهری جهان، برنامه‌ریزی پایدار شهری یک موضوع جهانی است. پرداختن به چالش‌های عدالت و برابری در حمل و نقل پایدار شهری هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی

ضرورت دارد (مرسیر، ۲۰۰۹: ۱۴۶).

تفاوت‌های طبقاتی از مشخصات جوامع شهری در این نقاط است. در اینگونه جوامع طبقاتی، اغنیا از سطح زندگی بالا و تسهیلات فراوانی برخوردارند، در حالی که طبقات متوسط و پایین در نقاط شهری با مشکلات گوناگونی به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، اسکان، وضعیت فرهنگی و نظایر این‌ها مواجه هستند (شیخی، ۱۳۸۴: ۳۳).

توسعه‌ی شهرنشینی و بزرگ شدن شهرها علاوه بر اینکه در توسعه‌ی رفاه و امنیت شهروندان نقش بسزایی داشته است، پیامدهای ناگواری از جمله گسترش نابرابری اجتماعی و شکاف اقتصادی- اجتماعی را در پی داشته است. عدم توسعه‌ی پایدار شهری در بردارنده‌ی نابرابری در توسعه‌ی فیزیکی شهر، در فرصت‌های زندگی خصوصاً حوزه‌ی عمومی، خدمات عمومی، زیرساخت‌های اجتماعی، کیفیت مناطق مختلف شهری و غیره است. عدم دسترسی همه‌ی جامعه به امکانات شهری برابر و نابرابری اجتماعی، احساسات افراد را خدشه‌دار می‌کند؛ این امر نقش تعیین کننده‌ای در تعمیق احساس نارضایتی دارد و باعث افزایش نارضایتی‌ها از عملکرد دولت می‌شود، وحدت ملی را به خطر می‌اندازد و انگیزه‌ی عمل جمعی در مردم را کاهش می‌دهد. علاوه بر این منابع اجتماعی زیادی نظیر اعتماد عمومی و تعهد افراد مستهلک می‌شود. در این راستا، ساختارهای جامعه و نهادهای اجتماعی می‌توانند این نابرابری را در بین طبقات اجتماعی مختلف شهری، افزایش یا کاهش دهند.

شهر کرمان به عنوان مرکز بزرگترین استان ایران با جمعیتی بالغ بر پانصد هزار نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) در جنوب شرقی ایران واقع شده است. این شهر مانند دیگر شهرهای بزرگ هم به لحاظ تقسیمات شهرداری و هم به لحاظ عرفی به مناطق متعددی تقسیم شده است. با نگاهی اجمالی به شهر می‌توان دریافت که برخی مناطق از امکانات شهری بیش از دیگر مناطق برخوردارند. این تفاوت و عدم برابری در شکل شدید خود به احساس محرومیت و در شکل ملایم‌تر به ایجاد احساس بی‌عدالتی در بین شهروندان منجر می‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان با انجام تحقیق در این حوزه، به مسئولان، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان شهری مستنداتی ارائه داد تا با اتکای به آنها برای

کاهش احساس بی‌عدالتی قدم بردارند.

پیشینه‌ی تحقیق

در چند دهه‌ی اخیر تعدادی از پژوهشگران مفهوم عدالت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند. بیشتر این تحقیقات با تکیه بر بعد فضایی و کاربری هرکدام از خدمات شهری بر اساس عدالت اجتماعی، صورت گرفته است و تحقیقات محدودی به بررسی درک شهروندان از عدالت اجتماعی و بعد ذهنی این مفهوم پرداخته‌اند (برای مثال بلاکسل و گروه جغرافیا دانشگاه اکستر، ۱۹۹۰؛ داو، ۲۰۰۴؛ لانکفورد و همکاران، ۲۰۰۸؛ گافرن، ۲۰۱۲؛ مهتا و همکاران، ۲۰۱۳؛ منفردیان سروستانی، ۱۳۸۶؛ حاتمی و همکاران، ۱۳۸۶؛ خاک پور و باوان پوری، ۱۳۸۸؛ هزار جریبی، ۱۳۹۰ و سیف‌الدینی و منصوریان، ۱۳۹۰).

- پژوهش بلاکسل و گروه جغرافیای دانشگاه اکستر (۱۹۹۰)، تحقیقی با هدف بررسی عدالت اجتماعی و دسترسی به خدمات حقوقی در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری در انگلستان انجام دادند. در نمونه‌ی مورد مطالعه توزیع فضایی وکلا، دفاتر حقوقی و نظرسنجی از مشتریان را مورد توجه قرار داد. نتایج نشان داد تفاوت‌هایی در دسترسی به این خدمات وجود داشت. نظرسنجی از مشتریان روستایی در مناطق دیگر نیز این تفاوت در دسترسی به خدمات را نشان داد.

پژوهش داو (۲۰۰۴) با هدف شناخت دسترسی فقرا به خدمات مناسب‌تر و پایدارتر و کاهش مستمر آسیب‌پذیری و فقر فقرای شهری با روش کیفی انجام شد. این برنامه با این رویکرد که حل مشکلات حیاتی زندگی به کنش جمعی و فراگیر مردم و مسئولان نیاز دارد، آغاز شد. اولویت‌بندی خدمات شهری (شامل جاده‌ها، چراغ‌های خیابانی، آب و غیره) برای فقرا شناسایی شد. این پژوهش به صورت مداخله در زندگی مردم انجام شد؛ از جمله‌ی مداخلات این بود که به افراد محله‌ها در تصمیم‌گیری‌ها نقش بیشتر و مسئولیت‌های داخلی و جزئی‌تر داده شود. نتایج این پژوهش نشان داد مردم در این توانمندسازی، توانستند با تعامل بیشتر و همکاری با یکدیگر مشکلات را شناسایی و رفع نمایند و در نتیجه‌ی گسترش جامعه‌ی مدنی، روابط بین زاغه‌نشینان بهبود یافت، پاسخگویی شهری در جهت کمک به فقرا افزایش یافت و نهایتاً مشخص شد در تصمیم‌گیری‌ها باید به

شیوهی جامع، نه تنها برای محله‌های فقیرنشین، بلکه برای کل شهر بر اساس سه پارامتر تراکم جمعیت، سطح فقر و فوریت نیاز، منابع بودجه مشخص و تأمین شود. پژوهش لانگفورد و همکاران (۲۰۰۸)، با هدف بررسی مدل توزیع جمعیت و بررسی تغییرات در دسترسی به تعدادی از خدمات عمومی در شهر در منطقه‌ی کاردیف؛ ولز جنوبی^۱ انجام گرفت. مدل تحلیلی تحقیق نشان داد که تمایل عمومی مردم این است که دسترسی کمتر به خدمات را گزارش دهند.

پژوهش گافرن (۲۰۱۲) به بررسی عدالت زیست محیطی در قالب تولید گازهای گلخانه‌ای ناشی از حمل و نقل جاده‌ای، سر و صدا، ذرات و گازها در مناطق شهری پرداخته است. این پژوهش نشان داد محل سکونت مردم و الگوهای استفاده از زمان می‌تواند در تعیین میزان قرار گرفتن در معرض گاز ناشی و سایر نقلیه مؤثر باشد.

پژوهش مهتا و همکاران (۲۰۱۳)، به بررسی گفتمان‌های جهانی مربوط به حقوق بشر در مورد آب و امکان تقویت آن با توسل به عدالت جهانی زیست محیطی^۲ پرداخته‌اند. این تحقیق با رویکرد عدالت جهانی زیست محیطی به مشکل دسترسی به آب سالم و قابل شرب در فضاهای اطراف شهری در بولیوی و هند پرداخت. این پژوهش نشان داد که چگونه بی‌عدالتی زیست محیطی و نقض حقوق بشر مشکل دسترسی به آب را افزون می‌کند.

پژوهش منفردیان سروسنانی (۱۳۸۶)، به بررسی نابرابری‌های مناطق شهر از طریق رتبه‌بندی پرداخت. به این منظور ۴ شاخص کلی در زمینه‌ی آموزشی، فرهنگی، بهداشتی- درمانی و خدمات عمومی شهری انتخاب گردید. نتایج نهایی رتبه‌بندی مناطق نشان می‌دهد از حیث شاخص آموزشی مناطق ۴، ۲ و ۶ دارای وضعیتی رو به بهبود است و مناطق ۵، ۱ و ۷ دارای وضعیت بدتری می‌باشند. همچنین از نظر شاخص فرهنگی مناطق ۱، ۲ و ۴ دارای وضعیت رو به بهبود است و مناطق ۸، ۷ و ۵ دارای وضعیتی بدتر شده‌اند. از نظر شاخص بهداشتی نیز منطقه‌ی ۸ دارای وضعیتی رو به بهبود است و

1- Cardiff, South Wales

2- Global environmental justice

مناطق ۳، ۴، ۵، ۷ و ۲ دارای وضعیتی بدتر شده‌اند. در زمینه‌ی شاخص خدمات عمومی شهری باید گفت منطقه‌ی ۸ دارای وضعیتی رو به بهبود است و مناطق ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۷ دارای وضعیتی بدتر شده‌اند.

پژوهش حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۸۶)، به بررسی تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری خدمات شهری پرداخت، در این پژوهش محلات از لحاظ ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی و برخورداری از خدمات شهری سطح‌بندی و مقایسه شدند. نتایج به دست آمده نشان داد طبقات اقتصادی- اجتماعی برتر، از کاربری‌های مطلوب‌تری برخوردارند و الگوی توزیع کاربری‌های خدماتی به نفع گروه‌های مرفه‌تر عمل کرده است.

تحقیق خاک پور و باوان پوری (۱۳۸۸)، با هدف بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه‌یافتگی مناطق شهر مشهد انجام گرفت. نتایج نشان داد ۲۵ درصد مناطق شهری مشهد (شامل مناطق ۱ و ۸ و ثامن) خیلی برخوردار، ۲۵ درصد مناطق (شامل مناطق ۷، ۹ و ۱۱) برخوردار، ۸/۳ درصد (فقط منطقه ۴) متوسط، ۲۵ درصد مناطق (شامل ۲، ۳ و ۱۰) محروم و بالاخره ۱۶/۷ درصد (شامل مناطق ۵ و ۶) خیلی محروم بوده‌اند.

پژوهش هزار جریبی (۱۳۹۱)، با هدف بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران صورت گرفت. نتایج مدل رگرسیونی نشان داد متغیر اعتماد به کارایی مسئولان با ضریب (۰/۵۷)، دینداری با ضریب (۰/۲۰)، مقایسه‌ی خود با دیگران با ضریب (۰/۱۶)، احساس امنیت با ضریب (۰/۱۰) تأثیر فزاینده‌ای بر میزان احساس عدالت اجتماعی افراد دارد؛ اما متغیر احساس بیگانگی با ضریب (۰/۰۹-) و منطقه‌ی مسکونی نیز با ضریب (۰/۰۹-) دارای تأثیر کاهنده‌ای بر میزان احساس عدالت می‌باشند. در مجموع، متغیرهای مذکور توانسته‌اند ۰/۵۳ درصد از تغییرات متغیر احساس عدالت را تعیین کنند.

تحقیق سیف الدینی و منصوریان (۱۳۹۰)، نشان داد توزیع مکانی شاخص‌های دسترسی به خدمات عمومی (خدمات اورژانسی، آموزشی، بهداشتی، حمل و نقل، فرهنگی و تفریحی)، در نواحی شهر تهران متفاوت است. بالاترین امتیاز در شاخص دسترسی به

خدمات عمومی، مربوط به نواحی مرکزی شهر است و با دور شدن از مرکز شهر، دسترسی به خدمات عمومی به صورت شعاعی کاهش می‌یابد.

مرور پیشینه‌ی تجربی این تحقیق نشان می‌دهد که همه‌ی تحقیقاتی که در داخل و خارج از کشور بر توزیع خدمات شهری انجام شده است عمدتاً به نحوه‌ی توزیع این خدمات در مناطق مختلف شهری پرداخته‌اند. اکثر این تحقیقات در حوزه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری انجام شده است و احتمالاً به همین علت توجه به احساسات، برداشتها و ادراک شهروندانی که از این خدمات استفاده می‌کنند مغفول مانده است. در تحقیق حاضر سعی شده است این خلأ پوشیده شود؛ به همین علت ابتدا نحوه‌ی توزیع خدمات شهری و به دنبال آن تأثیرگذاری توزیع خدمات بر عدالت اجتماعی ادراک شده است.

مبانی نظری

در چند دهه‌ی اخیر، برخی از اندیشمندان و محققانی که توجه خود را به مفهوم عدالت اجتماعی معطوف نموده‌اند به آثار مثبت آن اشاره دارند و برخی به شاخص‌سازی خود مفهوم پرداخته‌اند که در ادامه به تشریح آن‌ها می‌پردازیم. نابرابری‌های موجود در سطح بسیاری از شهرهای امروزی روز به روز به گسترش شکاف طبقاتی می‌افزاید. تقسیمات درون شهری صحیح و همه‌جانبه یکی از عوامل مؤثر در نحوه‌ی توزیع کاربری‌های خدماتی با توجه به الگوی سلسله‌مراتبی آن‌هاست. عدالت اجتماعی در شهر زمینه‌ساز حفظ منافع گروه‌های عام و خاص به منظور گسترش بهینه‌ی منابع شهر، درآمدها و هزینه‌هاست تا در راستای "فقرزدایی" گام برداریم و در چشم‌انداز ترسیم شده، نظاره‌گر تبعیضات اجتماعی نباشیم (زیاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲۲). درک ما از عدالت، علاوه بر الگوی برابری، از تفسیر ما از رویه‌های اتخاذ تصمیمات و اجرای قوانین، تأثیر می‌پذیرد. (محمد پور، ۱۳۸۹: ۳۱۲).

فرهنگ لغت آکسفورد، عدالت را به عنوان حفظ حقوق با اعمال اختیار و قدرت و دفاع از حقوق با تعیین پاداش یا تنبیه توصیف کرده است؛ اما آنچه در تعریف این واژه به مقاصد ما نزدیک‌تر است مفهوم عدالت به معنای برابری و تساوی، دادگری، انصاف، داوری با راستی و درستی و مفاهیم دیگری از این قبیل است (حسین زاده و ناصری،

۱۳۸۶: ۱۹). به نظر می‌رسد صحبت از عدالت اجتماعی با رویکرد توسعه‌ی پایدار بدون روشن کردن رابطه‌ی طبیعت و جامعه و بدون اراده‌ی سیاسی و جزم تعهد؛ برای تحقق چنین رابطه‌ای بیهوده است (فرناندو، ۲۰۰۳: ۲۱). میلر عدالت را به معنی چگونگی تقسیم چیزهای خوب و بد در میان اعضای جامعه‌ی بشری می‌داند و زمانی که برخی سیاست‌ها را ناعادلانه می‌دانیم، مدعی هستیم که یک شخص یا گروهی از افراد کمتر از فرد یا گروه دیگر از منافع بهره‌مند شدند (صاحی امیری و رضایی، ۱۳۸۷: ۱۶).

مفهوم عدالت برای اولین بار توسط فیلسوفان یونان باستان مورد بررسی عقلی و استدلالی قرار گرفت؛ آنها عمدتاً کمال را در طبیعت می‌دانستند و انحراف از مسیر و منزلت طبیعی را موجب نقصان و خسران. به عقیده‌ی آنها بالاترین فضیلت عبارت است از قرار گرفتن هر چیزی در جایگاه طبیعی خود. آنها وضعیت طبیعی موجودات را عادلانه می‌دانستند؛ از این رو صفات غیرطبیعی را مترادف با ظالمانه بودن تلقی می‌کردند. ارسطو به دو مفهوم از عدالت در روابط اجتماعی میان انسان‌ها اشاره می‌کند، یکی عدالت توزیعی که بر توزیع منابع و مواهب طبیعی و اجتماعی میان اعضای جامعه تأکید دارد و دومین نوع، عدالت تعویضی یا جبرانی که بر رعایت تساوی در داد و ستد به معنای عام کلمه تکیه کرده است (نیلی، ۱۳۸۶: ۱۶).

از دیدگاه دیوید هاروی، عدالت اجتماعی در شهر باید به گونه‌ای باشد که نیازهای جمعیت شهری را پاسخگو باشد و تخصیص منطقه‌ای منابع را به گونه‌ای هدایت کند که افراد با کمترین شکاف و اعتراض نسبت به استحقاق حقوق مواجه باشند (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۳)؛ بنابراین از این نظر عدالت اجتماعی باید در برگیرنده‌ی عدالت توزیعی و تخصیصی باشد زیرا نمی‌توان منافع عمومی، نیازها و استحقاق شهروندان را بدون معیارهای توزیعی و تخصیصی در نظر گرفت. هرگونه برنامه‌ریزی شهری که مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهر باشد باید بتواند هم در توزیع نیازها، منافع عمومی، استحقاق و هم در تخصیص آنها مؤثر باشد (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

در تحلیل گسترده از عدالت اجتماعی، فقر نه صرفاً به صورت پایین بودن درآمد که به صورت محرومیت از قابلیت اساسی در نظر گرفته می‌شود. عدالت اجتماعی در مفهوم

گسترده‌تر خود نه تنها مستلزم فقر درآمدی و بهبود توزیع درآمد به عنوان ملاحظات ابزاری است بلکه گسترش قابلیت‌ها و توانمندی‌های انسانی را نیز از طریق گسترش آزادی‌های فردی و فرصت‌های اجتماعی برابر، به عنوان ملاحظات اساسی مد نظر قرار می‌دهد (نیلی، ۱۳۸۶: ۷۶).

بر اساس نظر ژان ژاک روسو، اگر بین مردم قرارداد اجتماعی وجود داشته باشد، امتیازها و محرومیت‌ها در آن وارد می‌شود و این طبیعی است. جان رالز (۲۰۱)، می‌گوید اگر بخواهیم عدالت بر مبنای انصاف را پایه‌گذاری کنیم، امتیازات موجود نباید نقشی پیدا کند پس در تنظیم قرارداد باید اینطور فکر کنیم که همه‌ی ما، در آستانه‌ی ورود به دنیایی هستیم و به قول او پشت یک پرده‌ی بی‌خبری هستیم. (نیلی، ۱۳۸۶: ۴۸).

گلدفرب و گرینبرگ^۱ عدالت اجتماعی را به عنوان اعمال مدیریت برنامه‌ها (برنامه‌های نهادی و سازمانی) توسط فعالان درگیر در امور در جهت اصلاح، بازگرداندن، حفظ و پیشبرد ذاتی حقوق بشر از برابری، مساوات و انصاف در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فضای باز در جهت بروز استعدادها در فعالیت‌های اکتسابی، تعریف کرده‌اند. در واقع مدیریت عدالت اجتماعی به معنای آنست که به دور از چشم‌اندازهای نژادی، طبقه‌ای، جنسیتی و غیره امر برنامه‌ریزی صورت گیرد (توهاریس، ۲۰۰۸: ۵). نظریه‌ی عدالت اجتماعی^۲ "رالز" که به عنوان مبنای نظریه‌های عدالت رایج شناخته شده است، بر توافق قرارداد اجتماعی^۲ به عنوان مبنایی برای برقراری عدالت تکیه دارد و هیچ تلقی و تصور پیشینه‌ای از عدالت را منعکس نمی‌کند. این مفهوم قرارداد اجتماعی او ریشه در نظریه‌های جان لاک، روسو و کانت دارد و بر اصل عدالت مبتنی بر انصاف تأکید دارد (رالز، ۱۹۹۹: xviii).

رالز به دو اصل مهم درباره‌ی عدالت اجتماعی اشاره دارد اصل اول مبنی بر اینکه هر فرد دارای حق مساوی برای آزادی است. در جامعه‌ی عادلانه، ارزش‌ها، آزادی، فرصت و پایه‌های اجتماعی به طور برابر برای همه، توزیع شده‌اند و اصل دوم، نابرابری تا حدی مجاز است که بر اساس آن پایین‌ترین طبقات به بیشترین رفاه ممکن نائل گردند. در واقع رالز به برابری فرصت‌ها در ارزش‌ها و آزادی افراد و توزیع نابرابر براساس نیازهای

1- Goldfarb& Grinberg

2- Contractual agreement

فرد یا الزاماتی که تمرکز روی جبران نیازهای طبقات محروم دارد، تأکید دارد (کلما و همکاران، ۲۰۱۱: ۷). هاروی به پیروی از رانسیمن، ماهیت عدالت اجتماعی را بر پایه‌ی سه معیار زیر شرح می‌دهد:

نیاز: افراد دارای حقوق مساوی در بهره‌برداری از منابع و امتیازاتند ولی نیاز همه‌ی افراد مشابه نیست و تساوی در بهره‌وری از دیدگاه نیاز افراد به صورت تخصیص نابرابر منافع جلوه‌گر می‌شود (حاتمی نژاد، ۱۳۸۵: ۹۱-۹۲). در رویکرد نیاز به خدمات، به افراد نیازمند کمک بیشتری می‌شود در واقع، در این بعد عدالت، بر توزیع امکانات به نیازمندان تأکید می‌شود. رالز معتقد است برابری یک کارگر کوشا و کارگری که به دلخواه خود تنبل است، عادلانه تلقی نمی‌شود؛ به همین دلیل نابرابری در توزیع ثروت را می‌توان پذیرفت، مشروط بر اینکه نابرابری به نفع همه، خصوصاً محروم‌ترین اقشار جامعه باشد (نیلی، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

بهروان (۱۳۸۵)، معتقد است وقتی از امکانات و خدمات شهر سخن به میان می‌آید، میزان تقاضا و نیاز شهروندان و درجه‌ی شدت آن نیز دارای اهمیت است. در رابطه با امکانات خدمات فرهنگی وضعیت متفاوت است؛ عدم دسترسی و کمبود نمی‌تواند محرومیت ایجاد کند زیرا امکانات و خدمات فرهنگی بر خلاف نیازهای زیستی و رفاهی مستلزم رشد ذهنی و معنوی افراد است بنابراین برای ارائه‌ی اینگونه امکانات، ابتدا لازم است تقاضا ایجاد شود.

برابری: بر این مبنا است که تمامی افراد جامعه باید توانایی بهره‌برداری از امکانات و نتایج یکسان داشته باشند. زمانی افراد ادراک عادلانه دارند که آحاد جامعه صرفنظر از الگوهایی نظیر عقیده‌ها، نژاد، تعلقات خانوادگی، نسلی و قومیتی دارای شرایط یکسان و برابری در استفاده از امکانات باشند (داچ، ۱۹۷۵: ۱۳۹).

انصاف: باید بین داده‌ها (تلاش، کوشش و پشتکار و ...) و ستانده‌های فرد (امکانات و تسهیلات رفاهی و نتایج و ...)، ادراک منصفانه‌ای حاصل شود (کلما و همکاران، ۲۰۱۱: ۷). اصل انصاف ایجاب می‌کند که هرگونه ترتیب سیاسی و اجتماعی، بر اساس قرارداد اجتماعی تنظیم شود. این قرارداد اجتماعی باید با توجه به حذف امتیازهای فردی به گونه‌ای تنظیم شود که شرایط افراد کاملاً متقارن و قابل جابه‌جایی باشد (نیلی، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

از نظر وسترن و همکاران (۱۹۷۸)، جایگاه مفهومی و تحقیقی عدالت اجتماعی بر دو

حوزه‌ی عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای متمرکز بوده و برای هریک از این دو بعد، ملاک‌های مشخصی نیز پیشنهاد شده است. به باور الکساندر و فایرستون شاید کهن‌ترین ملاک عدالت توزیعی که در قالب مطالعات تجربی مورد بررسی قرار گرفته، انصاف باشد. در حقیقت انصاف اصلی‌ترین ملاک و معیار عدالت توزیعی محسوب می‌شود و از طرف دیگر ملاکی است که با بیشتر اشکال تعامل اجتماعی رابطه دارد (گل پرور و عریضی، ۱۳۸۳: ۲۹۴).

عدالت توزیعی^۱: طبق تئوری برابری آدامز، اشخاص می‌خواهند که با آنها عادلانه رفتار شود. تئوری برابری بر این فرض استوار است که اشخاص نسبت بین داده و ستانده‌ی خود را با نسبت بین داده و ستانده‌ی دیگری مقایسه می‌کنند و اگر احساس کنند که در رفتار با آنها عدالت نسبی رعایت نشده است، تصمیم به کاهش این نابرابری می‌گیرند (گریفین، ۱۳۷۴: ۱۷۰). در واقع، فرد شرایطی را عادلانه تلقی می‌کند که دریا بد بین ورودی‌ها و آنچه که دریافت می‌کند با ورودی‌ها و خروجی‌هایی فرد مرجع تناسبی موجود می‌باشد (واندرف و همکاران، ۱۹۹۹: ۳). بر طبق این تئوری وضعیت ناعادلانه^۲ تنشی در فرد ایجاد خواهد کرد که او تلاش خواهد کرد آن را حل نماید (مورمان، ۱۹۹۱: ۸۴۶). گرینبرگ و کرونیازانو (۱۹۹۷) بر این باورند این نوع عدالت به انصاف از طرف سازمان به تخصیص منابع در بین اعضا اشاره دارد که آیا تخصیص بر اساس تلاش و رتبه‌بندی عملکرد صورت می‌گیرد (بلیکلی و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۶۲). در واقع بر مبنای نظریه‌ی مبادله اجتماعی بلاو، افراد بین داده‌ها (از جمله وقت، تلاش، تخصص و خدمات و غیره) و ستانده‌های خود (تسهیلات رفاهی، امنیت و غیره) ارتباط منطقی ایجاد می‌نمایند و به محاسبه می‌پردازند و بر این مبنای اگر آنچه را انتظار دارند به دست نیاورند احساس بی‌عدالتی می‌نمایند.

عدالت رویه‌ای^۳: تایلور و اسمیت عدالت اجتماعی را تمرکز بر فرایند تصمیم‌گیری مربوط به موقعیت‌های توزیعی می‌دانند و کلبرگ آن را نگرانی در مورد فرایندهای قانونی^۴ (وندورف و همکاران، ۱۹۹۹: ۱). فرایندهای عادلانه (درک افراد از رویه‌های

1- Distributive Justice
4- Lawful

2- Unfairness

3- Procedural Justice

عادلانه) واکنش مثبت افراد را در پی دارد. وقتی مردم نتایجی را که معمولاً متناسب با رتبه‌بندی عملکردهای خود است دریافت می‌کنند، بر تجربه آنها از رویه‌های عادلانه اثر می‌گذارد؛ مردم شرایط موجود خود را با نتیجه‌ای از رویه‌های عادلانه‌ای که قبلاً تجربه کرده‌اند، مورد مقایسه قرار می‌دهند که این مقایسه بر درک آنها از عدالت تأثیر مثبت یا منفی می‌گذارد (باس، ۲۰۰۲: ۸۶۶).

عدالت اجتماعی تنها دستیابی به اشکالی از رفاه انسانی و روش‌های دسترسی به آن نیست بلکه فرایند شکل‌گیری فرایند به اندازه‌ی آن مهم است (صالحی امیری و رضایی، ۱۳۸۷: ۱۴).

به نظر لونتال یک رویه برای عادلانه بودن، باید دارای ویژگی‌های شش‌گانه: ثبات و پایداری (برای تمام افراد و در تمام شرایط به طور یکسان و مشابه اعمال گردد)، دوری از تعصب و پیشداوری (هیچ استثنایی برای برخی افراد یا گروه‌های خاص قائل نباشد)، درستی و صحت (رویه‌ها بر پایه‌ی اطلاعات درست و معتبر شکل گرفته باشد)، قابلیت اصلاح (در صورت اشتباه بودن قابلیت تصحیح و تجدید نظر را داشته باشد)، معرف همه‌ی نظرات (تمام افراد ذی نفع را لحاظ نماید) و متکی بر موازین اخلاقی باشد (به نقل از خنیفر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

بارون و گرینبرگ معتقدند که دانشمندان دو جنبه برای عدالت رویه‌ای در نظر گرفته‌اند: جنبه‌ی ساختاری: این جنبه به بررسی این امر می‌پردازد که تصمیم‌ها چگونه باید اتخاذ گردند تا منصفانه به نظر برسند. توجه به این نکته دارای اهمیت است که این جنبه به بررسی اینکه تصمیم‌ها چه باشند، نمی‌پردازد، بلکه این امر را بررسی می‌نماید که تصمیمات چگونه گرفته شوند.

جنبه‌ی اجتماعی: گرینبرگ اعتقاد دارد گرچه جنبه‌ی ساختاری عدالت رویه‌ای اهمیت شایانی دارد اما همه‌ی مباحث در زمینه‌ی عدالت رویه‌ای را در بر نمی‌گیرد، هنگام قضاوت در مورد میزان عدالت در رویه‌های سازمانی، کیفیت رفتار بین شخصی تصمیم‌گیرندگان با کارکنان سازمان به منزله‌ی یک عامل کلیدی در نظر گرفته می‌شود (حقیقی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۳).

خدمات شهری

قلمرو بحث عدالت اجتماعی محصور به حصار دولت- ملت است؛ یعنی سخن در ترسیم ساختار عادلانه‌ی جامعه‌ای است که دولت و سرزمین مشخص دارد و می‌خواهد همکاری اجتماعی درون آن جامعه و نهادهای موجود در آن و توزیع امکانات و فرصت‌ها و وظایف و حقوق بر اساس اصول و معیارهای عادلانه ترسیم شده باشند (واعظی، ۱۳۸۳: ۱۱۹۲). وظیفه‌ی دولت برابر ساختن درآمد‌های اقشار مختلف جامعه نیست بلکه وظیفه‌ی دولت عرضه‌ی فرصت‌های برابر اقتصادی- اجتماعی و سیاسی به آحاد اجتماعی است. همه‌ی افراد باید استحقاق برخوردارگی از فرصت‌های برابر را داشته باشند (نیلی، ۱۳۸۶: ۴۹). ساختار اساسی جامعه از نهادهایی^۱ تشکیل شده است که چگونگی و نحوه‌ی دسترسی افراد به منابعی که وسیله‌ی ارضای نیازهای گوناگون آنان است، به وسیله‌ی این نهادها رقم می‌خورد. اجتماع دارای منابعی است که وسیله‌ی تأمین آن نیازهاست. این منابع را شاید بتوان در سه گروه دسته بندی کرد: قدرت، منزلت و موقعیت اجتماعی و ثروت. در هر جامعه افراد آماده‌اند برای دستیابی به این منابع، بار مسئولیت و وظایف خاصی را بر عهده بگیرند و به اقتضائات همکاری اجتماعی گردن نهند، از این رو ساختار اجتماعی عبارت از نهادهایی است که هم چگونگی دستیابی به این منابع را مشخص و هم حقوق و وظایف افراد را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، نظام حقوق و وظایف و توزیع امکانات و فرصت‌ها و مواهب به وسیله‌ی ساختار اساسی جامعه و نهادهای آن سامان می‌یابد (واعظی، ۱۳۸۳: ۹۱).

برای نمونه می‌توان به نهادهای ارائه دهنده‌ی خدمات شهری اشاره کرد که باید فراتر از الگوهای خاص‌گرایی مانند ویژگی‌های فرهنگی، جنسیتی، قومیتی و محله‌ای، خصوصاً در ورای طبقه‌ی اجتماعی افراد، خدمات ارائه دهند. وقتی شهروندان از توزیع امکانات (آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، رفاهی و...) ادراک عادلانه‌ای داشته باشند، می‌توان نمود آن را در سطح جامعه و بهزیستی زندگی افراد ملاحظه کرد. این نگرش مثبت بر رفتار شهروندی افراد مؤثر است و افراد نیز بر مبنای الگوهای عام‌گرا، رفتار خود را تغییر می‌دهند.

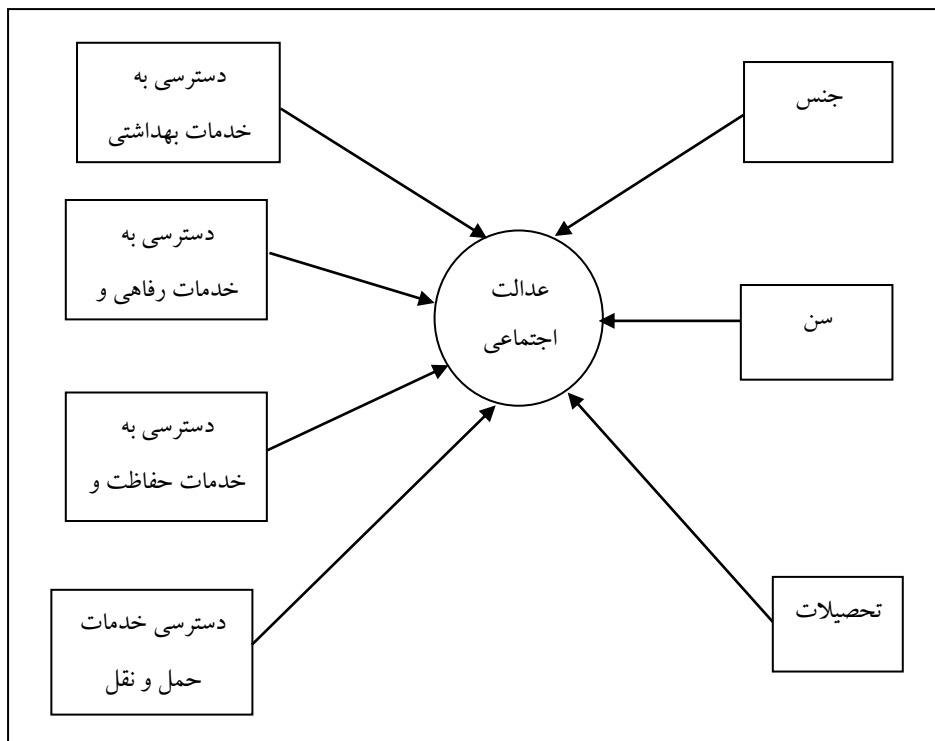
با توجه به نقش روز افزون فعالیت‌های خدماتی در نظام شهرنشینی، ضرورت‌های جدیدی در روند برنامه‌ریزی شهری پدید آمده است. این خدمات در باره‌ی ایجاد

تسهیلات برای زندگی افراد و تسهیل فرایند تولید صورت گرفته و کالای ملموسی نیز تولید نمی‌کند. خدمات ارتباط تنگاتنگی با حیات شهری دارد گرچه اکثر خدمات، شهری محسوب می‌شوند اما برخی از آنها به دلایل خاص و با توجه به شاخصه‌ی خاص و ارتباط مستقیم با زندگی شهروندان به خدمات شهری معروفند و نبود یا مدیریت نادرست آنها می‌تواند، معضلات اساسی از قبیل بی‌نظمی شهری، معضلات اجتماعی، سیاسی و غیره ایجاد نماید (جعفری صمیمی، ۱۳۹۰: ۸۴).

اصطلاح خدمات شهری اموری مانند آبرسانی، بهداشت، تمیز کردن خیابان، مدیریت مواد زائد جامد شهری، جاده‌ها، سالن‌ها، روشنایی خیابان‌ها و همچنین تعمیر، نگهداری، بازسازی و جایگزینی این امور را شامل می‌شود (کاویل و سهیل، ۲۰۰۴: ۱۵۵).

به طور کلی این خدمات را می‌توان به چهار دسته‌ی کلی تقسیم‌بندی نمود: ۱- خدمات بهداشتی ۲- خدمات رفاهی و تفریحی ۳- خدمات حفاظتی و امنیتی ۴- خدمات حمل و نقل و ترافیک (جعفری صمیمی، ۱۳۹۰: ۸۴). با توجه به توصیف و مفهوم‌سازی متغیر میزان دسترسی به خدمات شهری و متغیر ادراک عدالت اجتماعی و تبیین رابطه‌ی این دو بر اساس چارچوب نظری، مدل تحلیلی برای این پژوهش طراحی شده است. در این مدل ادراک از عدالت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و متغیرهای سن، جنس، تحصیلات و دسترسی به خدمات بهداشتی، خدمات رفاهی و تفریحی، خدمات حفاظتی و امنیتی و خدمات حمل و نقل و ترافیک به عنوان متغیرهای مستقل معرفی شدند.

نمودار (۱) مدل مفهومی تحقیق



الگوی تحلیلی در نمودار (۱) نشان می‌دهد قابلیت دسترسی افراد به خدمات شهری بر درکشان از عدالت اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

مدیریت شهری نیازمند شناخت ادراک شهروندان از عدالت اجتماعی نسبت به خدمات ارائه شده می‌باشد تا با کمک آن بتواند ملاک‌های توزیع عادلانه در حوزه‌های خدمات شهری را تعریف و در مناطق مختلف شهر مقایسه نماید.

در این تحقیق، متغیرهای جنسیت، سن، تحصیلات، دسترسی به خدمات بهداشتی، دسترسی به خدمات رفاهی و تفریحی، دسترسی به خدمات و ایمنی، دسترسی به خدمات حمل و نقل به عنوان متغیرهای مستقل و متغیر ادراک عدالت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و با ابزار پرسشنامه به جمع‌آوری مطالب پرداخته است. عدالت اجتماعی متغیر چند بعدی است و برای اندازه‌گیری ابعاد آن

مقیاس ساخته شده بر مبنای درک و دریافت پاسخگو از عدالت اجتماعی تنظیم شده است چرا که اصولاً عدالت اجتماعی یک پدیده‌ی ادراکی و احساسی است. در این تحقیق برای سنجش آن، تنها به شاخص‌های بیرونی اکتفا نشده است و توأمان درک و احساس افراد از عدالت اجتماعی مورد ملاحظه قرار گرفته است. در این پژوهش، عدالت اجتماعی دارای دو بعد عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای در نظر گرفته شده است.

پرسشنامه‌ی عدالت اجتماعی با ۱۰ سؤال ۶ گویه عدالت توزیعی و ۴ گویه عدالت رویه‌ای در قالب طیف لیکرت گونه طراحی شد.

خدمات شهری طیف وسیعی از فعالیت‌های مختلف را در بر می‌گیرد و ارتباط نزدیکی با حیات شهری دارد. در این تحقیق، ۴ دسته خدمات بهداشتی، رفاهی و تفریحی، ایمنی و حفاظت و حمل و نقل توسط ۱۹ گویه مورد سنجش قرار گرفتند.

جامعه‌ی آماری و نمونه‌ی تحقیق

جامعه‌ی آماری همه‌ی ساکنان بالای ۱۸ سال شهر کرمان می‌باشند. بر طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت شهر کرمان معادل ۵۱۵۱۱۴ نفر می‌باشد که از این تعداد بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر بالای ۱۸ سال هستند. براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شدند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا خوشه‌ها و سپس از داخل هر خوشه افرادی انتخاب شدند و سپس پرسشنامه‌ها در اختیار افراد قرار گرفت تا به شیوه‌ی خود به تکمیل آن پردازند. پرسشنامه از اعتبار صوری برخوردار بود و ضریب‌های پایانی متغیرها در جدول شماره (۱) آورده شده‌اند.

جدول شماره (۱) تحلیل روایی شاخص‌های متغیرهای عدالت اجتماعی و دسترسی به خدمات

شهری (N=۳۸۴)

شاخص‌ها	تعداد سؤالات	ضریب آلفا
عدالت توزیعی	۶	۰/۷۴
عدالت رویه‌ای	۵	۰/۷۳
دسترسی به خدمات بهداشتی	۴	۰/۷۰
دسترسی به خدمات رفاهی و تفریحی	۷	۰/۷۸

۰/۵۸	۳	دسترسی به خدمات ایمنی و حفاظت
۰/۵۵	۴	دسترسی به خدمات حمل و نقل

یافته‌ها

نتایج استخراج شده نشان می‌دهد از کل پاسخگویان (۳۸۴ نفر) ۵۱/۸ درصد زن و ۴۲/۲ درصد مرد می‌باشند. دامنه‌ی سنی پاسخگویان ۱۸ تا ۷۷ سال می‌باشد ۶۹/۶ درصد از پاسخگویان متأهل و ۳۰/۴ درصد مجرد می‌باشند. ۱۹/۹ درصد زیر دیپلم، ۳۳/۴ درصد دیپلم، ۱۴/۴ درصد فوق دیپلم، ۲۳ درصد لیسانس و ۶/۵ درصد فوق لیسانس و بالاتر بودند. نتایج مربوط به متغیر وابسته در جدول (۲) آورده شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود میانگین عدالت توزیعی و رویه‌ای به ترتیب برابر با ۱۴/۳۸ و ۱۲/۸۱ به دست آمده است. با توجه به در نظر گرفتن تفاوت حداقل نمرات، و حداکثر نمرات، میزان عدالت توزیعی و رویه‌ای پاسخگویان بیش از حد متوسط ارزیابی می‌شود.

جدول شماره (۲) آماره‌های توصیفی مؤلفه‌های عدالت اجتماعی (متغیر وابسته)

میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداقل نمرات	حداکثر نمرات	
۱۴/۳۸	۴/۲۷	۱۸/۲۸	۶	۳۰	عدالت توزیعی
۱۲/۸۱	۳/۲۰	۱۰/۳۰	۵	۲۵	عدالت رویه‌ای

جدول شماره (۳) رابطه‌ی بین تحصیلات با عدالت اجتماعی را نشان می‌دهد، همانگونه که ملاحظه می‌گردد بین تحصیلات افراد با عدالت اجتماعی رابطه‌ی معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد، در واقع با افزایش تحصیلات افراد درکشان از عدالت اجتماعی کاهش می‌یابد. چنان‌که ملاحظه می‌گردد بین تحصیلات و عدالت توزیعی رابطه‌ای معنادار وجود دارد و این رابطه معکوس می‌باشد اما با عدالت رویه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

جدول شماره (۳) رابطه‌ی تحصیلات پاسخگویان با عدالت اجتماعی بر اساس ضریب پیرسون

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
عدالت توزیعی	-۰/۱۱	۰/۰۴
عدالت رویه‌ای	-۰/۰۸	۰/۱۵
عدالت اجتماعی (شاخص کل)	-۰/۱۳	۰/۰۲

جدول شماره (۴) همبستگی میزان دسترسی، خدمات شهری؛ خدمات بهداشتی، رفاهی و تفریحی، ایمنی و حفاظت و حمل و نقل با شاخص‌های فرعی عدالت اجتماعی را نشان می‌دهد. چنان‌که ملاحظه می‌شود بین میزان دسترسی به خدمات شهری با شاخص‌های عدالت اجتماعی رابطه‌ی معناداری در سطح ۰/۰۰۱ وجود دارد. همانگونه که ملاحظه می‌گردد از بین خدمات شهری، دسترسی به خدمات رفاهی و تفریحی با عدالت توزیعی بیشترین رابطه را دارد.

جدول شماره (۴) همبستگی شاخص‌های فرعی خدمات شهری با عدالت اجتماعی

متغیر وابسته	خدمات بهداشتی	خدمات رفاهی و تفریحی	خدمات ایمنی و حفاظت	خدمات حمل و نقل
عدالت توزیعی	۰/۴۵	۰/۵۴	۰/۴۹	۰/۲۶
عدالت رویه‌ای	۰/۳۷	۰/۵۲	۰/۲۸	۰/۳۳

آزمون چند متغیره

در بخش گذشته رابطه‌ی دو به دوی متغیرهای مستقل با عدالت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت و این رابطه‌ی دو به دوی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته حاکی از تأیید فرضیه‌ها بود. در این بخش، مشارکت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین عدالت اجتماعی مطرح می‌گردد. به این منظور، متغیرهای مستقل همزمان وارد معادله‌ی رگرسیون شدند تا تغییرات متغیر وابسته بر اساس متغیرهای مستقل مشخص شود.

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد و این رابطه و میزان آن در قالب جداول (۵)، (۶) و (۷) آمده است:

جدول شماره (۵) خلاصه‌ی مدل عدالت اجتماعی بر اساس تحلیل رگرسیون

مدل	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد تخمین
عدالت اجتماعی	۰/۵۹	۰/۳۵۷	۰/۳۴۸	۵/۰۴۹

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد ضریب همبستگی چندگانه (R) و ضریب تعیین به ترتیب برابر با ۰/۵۹ و ۰/۳۵ به دست آمده است. مقدار R² بیانگر اینست که ۳۵ درصد از کل واریانس متغیر وابسته (عدالت اجتماعی) به صورت الگوی خطی از متغیرهای دسترسی به

خدمات بهداشتی، رفاهی و تفریحی، حفاظتی و ایمنی و حمل و نقل توضیح داده شده است.

جدول شماره (۶) رابطه‌ی میزان دسترسی به خدمات شهری با عدالت اجتماعی

مدل	تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F آماره	سطح معناداری
عدالت اجتماعی	رگرسیون	۳۹۹۹/۸۶	۴	۹۹۹/۹۶	۳۹/۲۱	۰/۰۰۰
	خطا یا پسمانده ^۱	۷۲۱۵/۷۱	۲۸۳	۲۵/۴۹		
	کل	۱۱۲۱۵/۵۸	۲۸۷			

مقدار F به دست آمده در جدول (۶) پراکندگی بین گروهی و درون گروهی را نشان می‌دهد. مقدار آن در این شاخص بالاست؛ هرچه این نسبت بیشتر باشد اختلاف میانگین بین گروه‌ها بیشتر از درون گروه‌هاست.

جدول شماره (۷) میزان تأثیرات همزمان متغیرهای مستقل بر عدالت اجتماعی

Sig	t	ضریب غیر استاندارد		مدل عدالت اجتماعی
		ضریب استاندارد	B	
		بتا	انحراف معیار	
۰/۰۰۰	۳/۵۹۵		۲/۷۴۲	۹/۸۵۸
۰/۰۰۰	۲/۴۴۲	۰/۱۶۲	۰/۱۲۸	۰/۳۱۰
۰/۰۱۶	۶/۱۵۹	۰/۴۲۳	۰/۰۸۵	۰/۵۲۷
۰/۴۲۱	-۰/۸۰۷	-۰/۰۵۲	۰/۲۳۰	-۰/۱۱۸
۰/۳۹۹	۰/۸۴۴	۰/۰۴۵	۰/۲۷۴	۰/۲۳۱

نتایج به دست آمده در جدول (۷) تأثیر خالصی که هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته دارد نشان می‌دهد؛ دسترسی به خدمات رفاهی و تفریحی بیشترین تأثیر را بر عدالت اجتماعی (۰/۴۲) دارد و پس از آن دسترسی به خدمات بهداشتی (۰/۱۲) قرار دارد. دسترسی به خدمات ایمنی و حفاظت و خدمات حمل و نقل تأثیر چندانی ندارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هنگامی که افراد جامعه امکان بهره‌برداری از امکانات و کسب نتایج یکسان نسبت به هم داشته باشند، در مسیر برقراری عدالت اجتماعی گام برداشته‌ایم. مطابق با نتایج تحقیق، اگرچه میزان درک شهروندان از عدالت اجتماعی (هم در بعد توزیعی و هم در

1- Residual

2- Cocstant

بعد رویه‌ای) در حد بالایی قرار ندارد اما میزان آن در هر دو بعد بیش از حد متوسط است.

بررسی رابطه‌ی متغیرهای پیشینه‌ای جنسیت، سن و تحصیلات با عدالت اجتماعی نشان می‌دهد بین جنسیت افراد با درکشان از عدالت اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد در واقع، جنسیت فرد بر درک عدالت اجتماعی تأثیری ندارد. همچنین بین متغیر سن و عدالت اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد. بررسی رابطه‌ی تحصیلات با عدالت اجتماعی نشان می‌دهد بین این دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ این رابطه معکوس است یعنی با افزایش تحصیلات فرد، درک افراد از عدالت اجتماعی کاهش می‌یابد.

بررسی همبستگی متغیرها در آزمون دو متغیره شامل متغیرهای؛ دسترسی به خدمات بهداشتی، رفاهی و تفریحی، حفاظتی و ایمنی و حمل و نقل با متغیر وابسته رابطه‌ی معناداری وجود دارد و فرضیه‌های تحقیق را تأیید کردند. همانگونه که نتایج پژوهش نشان داد بین قابلیت دسترسی شهروندان به خدمات شهری با عدالت اجتماعی رابطه‌ی معناداری در سطح ۰/۰۰۱ می‌باشد.

نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که بر اساس ضریب بتا، دسترسی به خدمات رفاهی و تفریحی بیشترین تأثیر را بر درک افراد از عدالت اجتماعی دارد؛ این در حالی است که دسترسی به خدمات حفاظتی و ایمنی و خدمات حمل و نقل تأثیر چندانی بر عدالت اجتماعی افراد ندارد. در مجموع نتایج حاکی از آنست که میزان دسترسی افراد به خدمات شهری، باعث پیش‌بینی درک آنها از عدالت اجتماعی می‌شود. نتایج به دست آمده تأیید کننده‌ی نظریه‌های عدالت اجتماعی می‌باشد؛ نظریه‌هایی که هسته مرکزی آنها عبارت است از تأکید بر اهمیت نقش دسترسی یکسان افراد به خدمات در تعیین ادراک فردی از عدالت اجتماعی. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای تعمیق عدالت اجتماعی و کاهش احساس نارضایتی در اولین قدم دسترسی برابر به امکانات و خدمات شهری در نظر گرفته شود.

منابع

- الوانی، سید مهدی و علی اصغر پورعزت. (۱۳۸۲). عدالت اجتماعی، شالوده‌ی توسعه‌ی پایدار، **نشریه‌ی مدیریت**، شماره‌ی ۲ و ۳، صص ۱۷-۲۸.
- بهروان، حسین. (۱۳۸۵). آمایش فرهنگی و عدالت شهری در مناطق دوازده‌گانه‌ی شهرداری مشهد، **اولین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری**.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۰). مدیریت دولتی و عدالت اجتماعی، **دانش مدیریت**، سال چهاردهم، شماره‌ی ۵۵، صص ۸۳-۱۱۷.
- جعفری صمیمی، احمد. (۱۳۹۰). بررسی مزیت نسبی ارزش افزوده خدمات شهری مشهد (استان خراسان رضوی) مقایسه‌ی آن با سایر مراکز استان‌های کشور در برنامه‌ی چهارم توسعه، **دو فصلنامه‌ی مدیریت شهری**، صص ۸۳-۹۸.
- حاتمی نژاد، حسین؛ فرهودی، رحمت الله و مرتضی محمد پور جابری. (۱۳۸۶). **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره‌ی ۶۵، صص ۷۱-۸۵.
- حاتمی نژاد، حسین و عمران راستی. (۱۳۸۵). عدالت اجتماعی و عدالت فضایی؛ بررسی و مقایسه نظریات جان رالز و دیوید هاروی، **نشریه‌ی سیاسی-اقتصادی**، شماره‌ی ۲۶۹، صص ۸۲-۹۵.
- حقیقی، محمدعلی؛ احمدی، ایمان؛ رامین مهر، حمید. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر عدالت سازمانی بر عملکرد کارکنان، **مدیریت فرهنگ سازمانی**، سال هفتم، شماره‌ی ۲۰، صص ۷۹-۱۰۱.
- خاک پور، براتعلی و علیرضا باوان پوری. (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه-یافتگی مناطق شهر مشهد، **مجله‌ی دانش و توسعه**، سال ۱۵، شماره‌ی ۲۷، صص ۱۸۲-۲۰۲.
- خنیفر، حسین؛ امیری، علی نقی؛ جندقی، غلامرضا؛ احمدی آزر، هادی؛ حسینی فر، سید مجتبی. (۱۳۸۹). درگیر شدن در کار و رابطه‌ی آن با عدالت سازمانی در چارچوب نظریه‌ی مبادله‌ی اجتماعی و فرهنگی، **مدیریت فرهنگ سازمانی**، سال هشتم، شماره‌ی ۲۱، صص ۱۷۷-۲۰۰.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). **آنومی یا آشفتگی اجتماعی**، پژوهشی در زمینه‌ی پتانسیل آنومی در شهر تهران، تهران: سروش.
- زیاری، کرامت اله؛ مهدیان بهنمیری، معصومه و علی مهدی. (۱۳۹۱). بررسی و سنجش عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت و قابلیت دسترسی در شهر بابلسر، **نشریه‌ی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، سال ۱۳، شماره‌ی ۲۸، صص ۲۱۷-۲۴۱.
- سو، آلوین. ی. (۱۳۸۸). تغییر اجتماعی و توسعه: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی، ترجمه‌ی محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- سیف الدینی، فرانک و حسین منصوریان. (۱۳۹۰). تحلیل الگوی تمرکز خدمات شهری و آثار

- زیست محیطی آن در شهر تهران، محیط‌شناسی، سال ۳۷، شماره ۱، ۶۰، صص ۵۳-۶۴.
- شمس‌الدینی، محمدحسن و سعیده گروسی. (۱۳۹۲). الگوی توزیع خدمات از دیدگاه شهروندان؛ موردشناسی: شهر کرمان، اولین کنفرانس ملی خدمات شهری و محیط زیست، صص ۱-۱۲.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی شهری، شرکت سهامی انتشار.
- صالحی امیری، سید رضا و زهرا رضایی. (۱۳۸۷). بررسی مفهوم عدالت اجتماعی، تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهش‌نامه‌ی شماره ۲۶، صص ۱۱-۳۶.
- عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۳). رویکردهای عدالت اجتماعی در بین معلمان شهر اصفهان، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۳، صص ۱۴۵-۱۶۳.
- گل پرور، محسن و سید حمیدرضا عریضی. (۱۳۸۳). رابطه‌ی نحوه‌ی نگرش به مدارس غیر انتفاعی با رویکردهای عدالت اجتماعی، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۲۹۳-۳۱۸.
- محمد پور، احمد. (۱۳۸۹). روش در روش (درباره‌ی ساخت معرفت در علوم انسانی)، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- منفردیان سروسنتانی، محسن. (۱۳۸۶). رتبه‌بندی مناطق مختلف شهری شیراز از لحاظ درجه‌ی توسعه‌یافتگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد رشته توسعه و برنامه‌ریزی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- مورهد، گریفین. (۱۳۷۴). رفتار سازمانی؛ ترجمه‌ی مهدی الوانی، غلامرضا معمازاده، تهران: نشر مروارید.
- نیلی، مسعود. (۱۳۸۶). اقتصاد و عدالت اجتماعی، با همکاری غنی نژاد، موسی؛ طیبیان، محمد و غلامعلی فرجادی، تهران: نشر نی.
- وارثی، حمیدرضا، زنگی آبادی، علی و حسین یغفوری. (۱۳۸۷). جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱، صص ۱۳۹-۱۵۶.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۳). عدالت اجتماعی و مسائل آن، مجله‌ی قبسات، سال نهم، صص ۱۸۹-۲۰۷.
- هزار جریبی، جعفر. (۱۳۹۱). بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن؛ مطالعه‌ی موردی شهر تهران، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره‌ی پیاپی ۴۳، شماره ۳، صص ۴۱-۶۲.
- Blakely Gerald. L, Andrews Martha.C& Moorman Robert. H (2005) Effects of equity Sensitivity on the relationship between organizational justice and organizational citizenship behaviors, Journal of business and psychology, Vol. 20, No. 2, pp. 259-273.
- Blacksell, Mark and Exeter, U. K (1990), Social Justice and Access to Legal

- Services: a Geographical Perspective, *Geoforum*, Vol. 21, No. 4, pp. 489- 502.
- Bos, Keen Van Den (2002), Assimilation and contrast in organizational justice: The role of primed mindsets in the psychology of the fair process effect, *Organizational Behavior and Human, Decision Processes* 89, pp: 866-880.
 - Calma T, Baldry E, Briskman L& Disney J (2011), What is social justice, National Pro Bono Resource Centre.
 - Dove, Lesley (2004), Providing environmental urban services to the poor in Andhra Pradesh: developing strategic decision-making, *Environment and Urbanization*, Vol 16, No 1, pp. 95- 106.
 - Deutsch, M (1975), Equity, equality and need: what determine which value will be use as the basis for distributive for justice?, *Journal of social justice*, 31, pp. 137-149.
 - Cavill, S& Sohail, M(2004), Strengthening accountability for urban services, *Urban services, Environment&Urbanization*Vol 16 No 1, pp. 155- 170.
 - Fernando, Jude L (2003),The Power of Unsustainable Development: What is to be Done?, *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*,No 1, Dol 10 , pp. 5-34.
 - Gaffron, philine (2012), Urban transport, environmental justice and human daily activity patterns, *Transport Policy* 20, pp. 114- 127.
 - Rawls, John (1999), *A theory of justice*, Harvard university press.
 - Langford, Mitchel; Gary Higgs; Jonathan Radcliffe and Sean White (2008), Urban population distribution models and service accessibility estimation, *Computers, Environment and Urban Systems* 32, pp. 66- 80.
 - Mercier, Jean (2009), Equity, Social Justice, and Sustainable Urban Transportation in the Twenty-First Century,*Administrative Theory & Praxis*, Vol. 31, No. 2, pp. 145–163.
 - Mehta, Lyla; Jeremy Allouche; Alan Nicol and Anna Walnycki (2013), Global environmental justice and the right to water: The case of peri-urban Cochabamba and Delhi, *Geoforum* xxx, pp. 1-9.
 - Moorman, Robert H. (1991) Relationship Between Organizational justice and organizational citizenship behaviors: Do fairness perceptions influence employee citizenship?, *Journal of Applied Psychology*, Vol. 76, No. 6, pp. 845-855.
 - Theoharis, George (2008), Woven in Deeply Identity and Leadership of Urban Social Justice Principals, *Education and Urban Society*, Volume 41 Number 1, pp. 3-25.
 - Visser, Gustav (2001), Social Justice, Integrated Development Planning and Post-apartheid Urban Reconstruction, *Urban Studies*, Vol. 38, No. 10, pp. 1673-1699.
 - Wendorf, Craig. A; Alexander, Sheldon and Ira J. Firestone (1999), Social Justice and Moral Reasoning: An Empirical Integration of Two Paradigms in Psychological Research, Presented at the 107th Annual Meeting of APA.